



### خسرو سینایی در بستر بیماری



● **گروه هنر:** در چند هفته اخیر، خبرهایی از ابتلای برخی از بازیگران سینما به ویروس کرونا رسانه‌های می‌شود و در این میان هشدارهایی برای آن دسته از افرادی که در حال حاضر مشغول فیلم‌برداری پروژه‌های سینمایی هستند، داده می‌شود و حضور تعداد پرشماری از عوامل سینما در پروژه‌های سینمایی، خطر ابتلا را بیشتر می‌کند.
باین‌حال، به‌تازگی خبرهایی از شرایط وخیم جسمی خسرو سینایی رسانه‌ای شد که به علت عفونت ریه و مبتلاشدن به کرونا در بیمارستان بستری است. حبیب احمدزاده، نویسنده و فیلم‌ساز، در این ارتباط به ایسا گفت: خسرو سینایی به‌دلیل عفونت توأم‌ان ریه و نیز بیماری کرونا در بخش ویژه بیمارستان امیراعلم بستری شده است. او از همه خواست برای بهبود این سینماگر ارزشمند با هر بیانی دعا کنند. سینایی حدود یک ماه قبل نیز برای یک عمل جراحی در بیمارستان بستری بود و بعد از مدتی مرخص شد. این کارگردان و مستندساز سینمای ایران، فیلم‌های متعددی را ساخته که یکی از مشهورترین آنها «عروس آتش» است که جایزه بهترین فیلم‌نامه را در هجدهمین جشنواره فیلم فجر دریافت کرد. جزیره رنگین، کویر خون، مثل یک قصه، گفت‌وگو با سایه، مرثیه گمشده و هیولای درون از دیگر آثار این فیلم‌ساز هستند.

#### اکران «هفت ونیم» با تأخیر

● **گروه هنر:** «هفت و نیم» به کارگردانی و نویسندگی نوید محمودی و تهیه‌کنندگی جمشید محمودی که قرار بود از هشتم مرداد به صورت آنلاین اکران شود، به تأخیر افتاد و این فیلم سه‌شنبه ۱۴ مرداد ساعت ۲۰۰۰ از قلیبو و نماوا نمایش داده خواهد شد. «هفت و نیم» که محصول مشترک ایران و افغانستان است، در فستیوال بین‌المللی فیلم بوسان سال گذشته افتتاح شده و مورد توجه منتقدان آسیایی قرار گرفته است. فیلم ماجرای زندگی هفت دختر افغان و ایرانی را در هفت ایزود به صورت سکانس پلان روایت می‌کند.

چه کسانی آینده سینمای ایران را رقم می‌زنند؟

## سیاست یک بام و دو هوا



فرانک آرتا

انتشار خبر موافقت شورای پروانه ساخت سازمان سینمایی با «حکم تجدیدنظر» به نویسندگی و کارگردانی «محمدامین کریم‌پور» و تهیه‌کنندگی رضا کریمی واکنش‌های زیادی را برانگیخت. در زمانه‌ای که صدور مجوز کارگردانی و یافتن تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار قابل اعتماد، یکی از آرزوهای مهم جوانان خوش‌فریحه محسوب می‌شود، کارگردان شدن یک جوان که به «شاخ اینستاگرام» معروف است، سؤالاتی را در ذهن مخاطبان کنجکاو مطرح می‌کند. با این پیش‌فرض که هر فردی در هر جا و در هر موقعیتی، «بالقوه» حق دارد که به دنیای سینما و فیلم‌سازی ورود کند و استعداد خود را در معرض قضاوت مردم قرار دهد؛ اما چنین نگاهی در مقایسه با نگرش اغلب مدیران فرهنگی- هنری و شکل سیاست‌گذاری‌ها در این سال‌ها همواره در تضاد و جالش بوده است. به نظر می‌رسد تلاطم حاکم بر فضای فرهنگی که میان ابتدال و تفاخر سردرگم و در نوسان است و اغلب هم سنگینی کفه به‌فعال میل می‌کند، بیانگر نوعی تششت آرا و نبود قطعیت است که همین بلای جان فرهنگ شده است. از سویی همواره سیستم فرهنگی این‌گونه وانمود می‌کند -حتی در ظاهر- که جوانان برای تحقق استعدادهای خود باید مراحل مختلفی مانند تحصیل در دانشگاه‌ها یا آموزشگاه‌های هنری را با موفقیت پشت‌سرسر بگذرانند، در کسب دانش سینما کوشا شوند، کتاب بخوانند و به‌اصطلاح در این مسیر خاک صحنه بخورند؛ اما درنهایت وقتی محصولات عرضه‌شده را می‌بینیم، واقعیت موجود خلاف جهت آموزه‌های مسلسل‌وار آنها است. انکار همین دیروز بود که از صداسویما مستندی پخش می‌شد، درباره انحراف جوانان جویای نام که برای رسیدن به دنیای هنرپیشگی مسیر کجی را طی می‌کردند و یکی از همان جوانان در گفت‌وگو با گزارشگر، توانایی بازیگری خود را منحصر به تقلید صدای خروس و دیگر حیوانات و ادا درآوردن عنوان کرد؛ با این تجربه که شنیده فلان بازیگر موفق هالیوود در مشی بازی خود از رفتار حیوانات بهره می‌برد! اما خب ظاهر این بنده خدا فراموش کرده بود که بفهمد مهم‌ترین بخش بازیگری کاوش در روان‌شناسی و شناخت ذهن و شخصیت انسان است که یک بازیگر برای رسیدن به این شناخت باید خود را به انواع و اقسام مهارت‌ها، دانش و

### هنر

برایی نمایشگاه آنلاین «من ماسک می‌زنم»

## کرونا را جدی بگیریم



بهزاد شیشه‌گران نقاش و طراح گرافیک

با توجه به گسترش روزافزون بیماری کووید ۱۹ لزوم رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و نیز فاصله‌گذاری‌های اجتماعی و ترویج فرهنگ استفاده از ماسک بر آن شدم تا (عکس پرته‌های خودم) را سوززه نمایشگاه مجازی در شبکه‌های اجتماعی با عنوان «من ماسک می‌زنم» کنم؛ بنابراین از پنجشنبه ۹ تا ۱۹ مرداد ۱۳۹۹، هر روز ساعت ۱۰ صبح یک اثر در اینستاگرام، فیس‌بوک و تلگرام به نمایش

### عکس پر تره‌های بهزاد شیشه‌گران

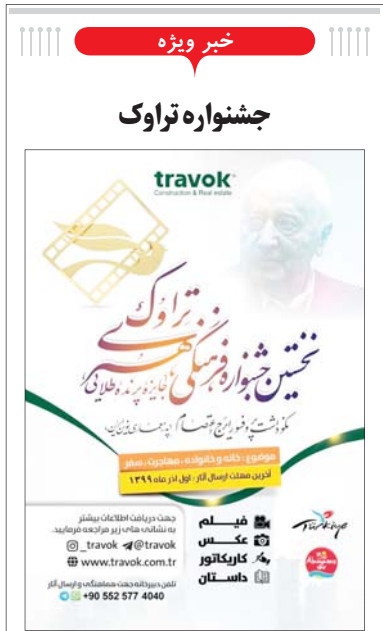


**محمد شمخانی؛** بهزاد شیشه‌گران بارها و به‌احای مختلف نشان داده که هنرمندی آرمان‌گرا، ملتزم و در معنای فلسفی کلمه پروبولماتیک (مسئله‌مند) است و همواره در ارتباط مؤثر با واقعیت و جامعه اثر می‌آفریند. ازجمله کارهای درخوری که شیشه‌گران در سال‌های اخیر انجام داده، پیوستن آگاهانه به شبکه‌های اجتماعی مجازی، دربی درک عمیق تحولات چشمگیری است که در زندگی بشر و در تعامل با فناوری‌های رسانه‌ای- شبکه‌های امروز به وجود آمده است. فناوری‌هایی که هنر را نیز مثل خیلی چیزهای دیگر در سوبیه کاربردی‌اش «همگانی» و در جوهر اندیشگانی‌اش همچنان وابسته به ادراک اقلیتی پیگیر نگه داشته‌اند و درعین‌حال، مشخصه کلی آنها کاستن یا افزودن مداوم بر این فاصله به‌ظاهر ناپیمودنی میان وجوه همگانی و اندیشگانی هنر است. گرایش شیشه‌گران به شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث شده او در چند سال اخیر ۱۱ دوره از آخرین آثارش را به‌جای عرضه در فضای گالری، به‌طور آنلاین در معرض دید و داوری دیگران قرار دهد. در آخرین ایستگاه از این حرکت پیشرو، نمایشگاه آنلاین «من ماسک می‌زنم»؛ شاید «عکس پرته‌های بهزاد شیشه‌گران» را شاهدیم. شاید تای یکی، دو دهه پیش تصور اینکه هنرمند، اثر هنری، مخاطب، منتقد... در فضایی بی‌زمان و بی‌مکان گرد هم بایند و تبدیل به جزئی از جریان زنده و بالنده شبکه‌های اجتماعی مجازی بشوند، تصویری سراسر دور از ذهن به حساب می‌آمد. شبکه‌های اجتماعی مجازی، در اصل رسانه‌هایی هستند ساختارشکن، چندسویه، مرکزگیز و تعاملی که با ترکیب امکانات صوتی، تصویری و نوشتاری، معجونی از اطلاعات را با هزینه بسیار اندک و در فضایی

سیال، بدون سلسله‌مراتب و به دور از فاصله‌های زمانی و مکانی به نمایش می‌گذارند. دسترسی همگانی به شبکه‌های اجتماعی مجازی در کنار دیگر قابلیت‌های این فضای رسانه‌ای- شبکه‌ای، همچنین ارتباطات جدیدی را رقم زده است. یکی از این گونه‌های ارتباطی جدید، تحول در عرضه و نمایش آثار هنری و شیوه تعامل پویای مخاطب با آفرینش‌های هنری است. در این فضای جدید، قطعا هنرمند که به قول آرنولد هاوزر «همیشه روی سخن با معاصران خود را دارد» به بازتعریف رابطه خود با مخاطب، جامعه و حتی جهان می‌پردازد و بی‌تردید آنکه اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی بزرگ‌تری دارد. گام‌های بلندتری برای تکوین این رابطه جدید برمی‌دارد و مجدانه، هم در بازتاب متعهدانه وقایع جاری جامعه و جهان می‌کوشد و هم در تأثیرگذاری بر جمعیت هدف. اینها همگی نکات مهمی است که از نگاه تیزبین شیشه‌گران دور نمانده و آن را در مانیفستی که بر نمایشگاه مجازی اخیر خود نوشته، چنین بازگو کرده است: «با ظهور شبکه‌های عظیم اجتماعی از چند سال پیش مجالی یافتن ما از این پدیده شگفت‌انگیز بدون محدودیت‌های حاکم بر دیگر رسانه‌ها، آثارم را در هر موقعیتی از شبانه‌روز با مخاطبان وسیع‌تری به اشتراک بگذارم. فضای مجازی به من کمک می‌کند تا در لحظه نسبت به مسائل پیرامونم واکنش نشان بدهم... تا این حقیقت نامیدکننده و ناهنجار ترافیک تهران را تا حدود زیادی برای مخاطبان خود تسهیل کنم... تا بدون تعطیلی، فراتر از مرزهای جغرافیایی از این دشواری عظیم عبور کنم و اثر خود را در یک ثانیه با صدها و بلکه هزاران نفر در سراسر جهان به اشتراک بگذارم.»

## ملغمه‌ای برای تمام فصول

«لیلا» از داریوش مهرجویی وجود دارد که با بهترین شکل توانسته است این درمادگی را که در تصویر بکشد، چرا این ضجه‌های زن، درددل‌ها و مویه‌کردن‌هایش با دایه، گوشه‌گیری فرزند دخترش از عروسی پدرش و ناتوانی مادر در بردن او به مدرسه، مصنوعی به نظر می‌رسد و بازیگران نتوانسته‌اند کاری بیش از ادای دیالوگ را انجام دهند. همین روند ادای کلمات به همراه نفس‌نفس‌زدن‌ها و حرکات کلیشه‌ای، صدا کلفت‌کردن‌ها یا نازک‌کردن‌ها تمام تلاش‌های بازیگران فیلم غیر از زاله صامتی-بازنگر نقش اول- است. فیلم مدام هر آنچه را می‌بینید، دوباره به شما یادآوری می‌کند اما در عوض سؤالی‌های معمول را بی‌جواب می‌گذارد؛ سؤالاتی که نمی‌دانید آیا هدف فیلم‌ساز و فیلم‌نامه‌نویس است یا فقط جابه‌جایی صحنه‌ها در هنگام تدوین. نمی‌دانیم ناگهان چگونه می‌شود که پسری می‌آید بعد از چهار دختر و دختران نیستند و تعداد سؤالات بی‌جواب زیاد است. کارگردان در جشنواره گفته است: «من براساس یک شعر مولانا این فیلم را ساختم و آن، این بیت بود: «خون به خون شستن محال آمد محال». من این فیلم را ساختم تا بگویم ما چاره‌ای نداریم جز اینکه همدیگر را دوست داشته باشیم. من تلاش می‌کنم تمام رنج‌هایی را که داشتم به فراموشی بسپارم». با دیدن این فیلم به نظر می‌رسد سازندگان اثر تلاش کرده‌اند تا با ملغمه‌ای از تصاویری از زنان آسیب‌دیده و شعرهایی درباره ایران، فرهنگ، رنج زنان، سفر به گذشته، تاریخ و سنت و میراث فرهنگی، اشاراتی به رفتارهای مدیران دولتی کنونی، اشاره به گورهای دسته‌جمعی بازمانده از داعش، زنان پیشرفت کرده و مستقل مدرن امروز دربرابر زنان وامانده نسل پیشین و... مجموعه‌ای کامل از هر شعاری را گرد هم بیاورند. از فیلم‌های موفق سینمای ایران از پرده آخر لیلو و خانه پدرو... نیز نشانه‌هایی را برداشته و تقلید کرده است. راستی فراموش نشود این اثری است به تهیه‌کنندگی صادق یاری متولد ۶۲ که با سریال‌های نمایش خانگی کردن و ممنوعه سعی کرده بود، حضور قدرتمندی داشته باشد اما این‌بار به نظر می‌رسد تنها خواسته است حضور در عرصه سینما را نیز تجربه کند که با گسترش کرونا و تعطیلی سینماها ناگزیر شده است که با اکران فیلم در عرصه آنلاین رضایت دهد.



● نخستین جشنواره فرهنگی، هنری «تراوک» (جایزه پرنده طلائی)، نگوداشت پروفیسور ایرج اعتصام، پدر معماری نوین ایران، برگزار می‌شود.
●علاقه‌مندان برای شرکت در این جشنواره می‌توانند آثار خود را با موضوع خانه و خانواده و مهاجرت و سفر در قالب فیلم (حرفه‌ای، موبایلی، کوتاه، مستند، داستانی، انیمیشن)، عکس با رزولوشن حداقل ۱۰۲۴ در ۷۶۸، داستان‌های صدکلمه‌ای و کاریکاتور، تا اول آذرماه سال جاری(۱۳۹۹) به دبیرخانه این جشنواره ارسال کنند.
● آثار دریافتی توسط دبیرخانه جشنواره بررسی و تدوین شده و پس از طبقه‌بندی و کدگذاری به هیئت داوران تحویل خواهد شد.
●لازم به ذکر است به نفر اول رشته فیلم، تندیس پرنده طلائی و ۱۲ میلیون تومان وجه نقد و به نفر اول سایر رشته‌ها نیز تندیس طلائی و هفت میلیون تومان وجه نقد اهدا خواهد شد. به نفرات دوم و سوم نیز جوایز نقیسی اهدا می‌شود.
●شرکت در این جشنواره کاملا رایگان است.
●تلفن دبیرخانه جهت هماهنگی و ارسال آثار (واتساپ، تلگرام): ۰۰۹۰۵۵۲۵۷۷۴۰۰

### یادداشت

#### «ریگی» که شاخ نیست ...

● **صادق معین‌صمدانی\***: اگر مخاطب خاص سینما و حواشی رنگارنگ زرد و بلورین آن باشد، حتما این روزها با خبر تأثیرگذار حضور یک «اینفلونسر» در قامت کارگردانی سینمای ایران مواجه شده‌اید. فارغ از واکنش‌های مثبت و منفی به این حضور تأثیرگذار! آنچه مسلم است، نقش کتمان‌ناشدنی احاطه ناگزیر فضای سایبری -که به اشتباه فضای مجازی خوانده می‌شود- بر سایر رسانه‌ها از جمله سینماست.

سینمایی که یک روز (و البته هنوز) کفش آهنین و خاک صحنه و ایضا خاک پله‌های وزارت ارشاد خوردن لازمه کارگردانی در آن بود و استثنای برای کیمیایی، مهرجویی، بیضایی، تقوایی و... قائل نبود، امروز به فالوورهای میلیونی «محمدامین کریم‌پور» دباخته و مجوز ساخت اولین اثر بلند سینمایی را به او تقدیم کرده است! فارغ از ماجرای مافیا و رانت که «نداشتن سندی برای اثبات» ویژگی ذاتی آن در همه اعصار و اماکن دنیا بوده، این البته یک پیروزی مهم است. این یعنی هرکسی حق دارد خاک صحنه خودش را بخورد و بدون بالا و پایین رفتن از پله‌های فخریم ان وزارتخانه وزین مجوزش را از سرمد که ولی نعمتان واقعی فرهنگ هستند، دریافت کند. این مجوز شاید اولین مجوز مشترک وزارت ارشاد و سلیقه نازل بعضی عوام باشد، اما قطعا آخرین آن نخواهد بود. آنچه موجب تحسر و تازر است، ورود ایشان از رسانه‌ای به رسانه‌ای دیگر نیست. خیل عظیم هنرمندان خاک‌صحنه‌خورده‌ای هستند که نه درهای وزارت ارشاد به رویشان باز شد و نه رسانه‌ای به‌جز سینمای خودشان داشتند. کارگردانان در انتظار جواز مانده‌ای که بهمت‌زده متشق‌های عشق‌شان به سینما را ورق می‌زنند و به ورود یک اینفلونسر می‌نگرند.

جان کلام اینکه اگر سینما آغوشش را برای هنرمندان باز نکند، اینفلونسرها بزودی آن را در آغوش می‌فشارند و ای‌کاش هرازگاهی که آغوشی برای هنرمندی باز می‌کند نیز سراب نباشد و با پس نکشد. مثلا «حسین ریگی»، کارگردان جوان و خوش‌آیبه سیستان‌وبلوچستانی با کوله‌باری از تجربیات و جوایز اصیل فرهنگی یکی از همان بسیاریان است که بالاخره توانست جای خود را در آغوش بسته سینما باز کند تا پایانی باشد برای سینمای تلخ سیستان‌وبلوچستان. برای آغاز سینمای رنگی و دور از خشونت و بریاری نمایش اصالتی فراموش شده، اما به‌راستی حمایت از اصالت فرهنگی امثال او کجا و حمایت از ذکاوت اجتماعی امثال محمدامین کریم‌پور کجا؟

نقش وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی دقیقا همین‌جاست که برنگ می‌شود. شایسته نیست وزارت ارشاد پایگاه مانع‌تراشی برای صدور مجوزها باشد بلکه باید با احترام به سلیقه عوام بکوشد با حمایت از اصالت فرهنگی فیلم‌ها سلیقه عوام را ارتقا بخشد.

●**دبیر انجمن فرهنگی سیستان‌وبلوچستانی‌های مقیم تهران**

دست‌رسی‌ها:

■ پاسداران، خیابان شهید اخوان(بوستان دوم)، خیابان شهید افشاری (ساقدوش)، بعد از مترو زین الدین، کوچه بوستان دهم شرقی، پلاک ۱۱

■ میدان هروی، گلستان پنجم، خیابان مجید افشاری (ساقدوش)، کوچه بوستان دهم شرقی، پلاک ۱۱ و